

## دین و شادمانی: مطالعه رابطه دین‌داری با احساس شادمانی در نمونه‌ای از دانشجویان

سید حسین سراج‌زاده (دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، نویسنده مسؤل)

serajsh@yahoo.com

مریم جامه شورانی (کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران)

mjamehshoorany@yahoo.com

فرشاد محمدی (کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران)

mohamadyfarshad@yahoo.com

### چکیده

شادمانی و رضایت از زندگی یکی از موضوع‌های بااهمیت پژوهشی برای پژوهش‌گران رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی است؛ زیرا احساس شادمانی می‌تواند نقش بسزایی در فرآیند توسعه یک جامعه و ارتقای کیفیت زندگی افراد ایفا کند. یکی از مهم‌ترین عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با شادمانی که مورد توجه پژوهش‌گران واقع شده است، باورها و پای‌بندی دینی است. این مقاله بر آن است تا ضمن مرور رویکردهای مختلف مربوط به رابطه دین‌داری و شادمانی، با رویکردی ترکیبی این رابطه به صورت تجربی مطالعه شود. به این منظور، به روش پیمایش و با نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه خوارزمی در سال ۱۳۹۱، رابطه دین‌داری با متغیرهای حمایت اجتماعی، معناداری زندگی و سازگاری با ناکامی‌ها و محرومیت‌ها آزمون شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه بود. براساس یافته‌های تحقیق، دین‌داری به واسطه متغیرهای حمایت اجتماعی، معناداری زندگی و سازگاری با ناکامی‌ها و محرومیت‌ها، می‌تواند شادمانی افراد را افزایش دهد. با وجود این، با کنترل این متغیرها اثر دین‌داری بر شادمانی جهت منفی ضعیفی پیدا می‌کند که ممکن است به خاطر ایجاد نوعی وسواس و ترس از گناه و مجازات ناشی از آن، ایجاد دنیاگریزی و جزمیت‌گرایی باشد.

**کلیدواژه‌ها:** دین‌داری، حمایت اجتماعی، معنی‌داری زندگی، سازگاری، ناکامی، محرومیت، شادمانی.

### ۱. مقدمه

توجه به احساسات مثبت انسان از جمله شادمانی از عهد باستان مطرح بوده است (خوش‌کنش و کشاورز، ۱۳۸۷، ص. ۴۱)، اما از سال ۱۹۶۰ پژوهش‌های مربوط به شادمانی افزایش یافت (آرجایل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱).

---

1 Argyle

---

مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صص ۲۷-۴۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۱۷ تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۳/۵

به نقل از جعفری، عابدی و دریکوندی، ۱۳۸۱، ص. ۵۰). درباره عوامل مؤثر بر شادمانی مطالعات فراوانی انجام شده است. وین هوون<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) عواملی؛ مانند سلامتی، تحصیلات، مذهب و معنویت، وضعیت تأهل، شخصیت، جذابیت فیزیکی، جنسیت، سن و ثروت را بر شادمانی مؤثر می‌داند. یکی از مهم‌ترین عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با شادمانی، دین‌داری است که در دهه‌های اخیر بیشتر مورد توجه واقع شده است (ریاحی، علی‌وردی‌نیا و بنی‌اسدی، ۱۳۸۷، ص. ۵۴). درباره رابطه دین‌داری با شادمانی نظرات متفاوتی وجود دارد. بسیاری از آن‌ها بر نقش مثبت دین‌داری در افزایش شادمانی تأکید کرده‌اند: از جمله اینکه در زمینه‌یابی‌های به عمل آمده در ملیت‌های مختلف، افراد مذهبی فعال، سطوح نسبتاً بالاتری از شادمانی را گزارش داده‌اند (اینگلهارت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰). با وجود این یافته‌ها، همه تحقیقات رابطه مثبت بین دین‌داری با شادمانی را نشان نمی‌دهند. گارتنر<sup>۳</sup> و دیگران (۱۹۹۱) به این نتیجه رسیدند که مذهب با بعضی از متغیرهایی که ممکن است با کارکردهای اجتماعی و روانی ضعیف‌تر مانند وابستگی، سطوح پایین‌تر خود-شکوفایی، عدم انعطاف‌پذیری، دگماتیسم و استبداد مرتبط باشند، رابطه دارد و یا بنیادگرایی دینی به میزان زیادی با دگماتیسم، نژادپرستی و هموفوبیا رابطه دارد (آلتیمر و هانسبرگر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵، به نقل از بارتز، اسکات، اسمیت و فیچنر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰، ص. ۶۸۴). با وجود این تحقیقات، بسیاری از نویسندگان به طور ضمنی استدلال می‌کنند که اثرات سودمند مذهب، عام و جهان‌شمول است.

در این مورد دیدگاه‌های جامعه‌شناسی دین به‌خصوص دیدگاه کارکردگرا دلالت بر آن دارند که دین از طریق ایجاد کارکردهایی چون معنابخشی، امیدبخشی، انسجام‌بخشی و انتظام‌بخشی، فراهم‌آوردن پاسخی برای حل مسایل غایی مثل ناکامی رنج، عدم اطمینان و به‌خصوص مرگ، سازگاری با این ناکامی‌ها و محرومیت‌ها، فراهم‌آوردن پاسخی برای تبیین تجارب سردرگمی، رنج و شر، مشروع و درک‌پذیر ساختن نظم اجتماعی و همچنین ساخت معنا از طریق گذشتن از طبیعت زیست‌شناختی و رسیدن به یک نوع خودآگاهی و باز کردن تصویری از جهان نمادین که به واقعیت و وجود فرد معنا می‌بخشد، می‌تواند نقش مؤثری در افزایش شادمانی ایفا کند (همیلتون، ۱۳۸۷، صص ۱۷۹-۱۷۰، ۲۰۳-۲۰۲، ۲۰۷، ۲۶۷، ۲۷۳، ۲۷۵).

1 Veenhoven

2 Inglehart

3 Gartner

4 Altemeyer & Hunsberger

5 Bartz, Scott, Smith and Fichner

با آن‌که کشور ما کشوری شناخته می‌شود که پایبندی دینی در آن گسترده و نهاد دین پرنفوذ است، تحقیقات انجام‌شده داخلی و خارجی حاکی از آن است که ایران از لحاظ شادمانی وضع مطلوبی ندارد. چلبی و موسوی (۱۳۷۸) در یک مطالعه به این نتیجه رسیدند که سطح شادمانی در جامعه ایران پایین است و بیش از نیمی از افراد شادمانی‌شان کمتر از حد متوسط بود. همچنین، رتبه ایران از نظر میزان شادمانی در میان ۶۹ کشور ۶۱ بود که رتبه نازلی است (چلبی و موسوی، ۱۳۷۸، صص. ۳۵-۳۴)؛ به علاوه، در پروژه‌ای که توسط دانشگاه لیستر با هدف رتبه‌بندی کشورها از نظر شادی مردمشان انجام شد، نتایج جالب توجهی خصوصاً در مورد ایران به دست آمد. از میان کشورها دانمارک رتبه ۱، سوئیس رتبه ۲، اتریش رتبه ۳، ایسلند رتبه ۴، باهاما رتبه ۵، فنلاند رتبه ۶، سوئد رتبه ۷، بوتان رتبه ۸، بروئی رتبه ۹ (شادترین ملت مسلمان)، کانادا رتبه ۱۰ و الی آخر. ایران از میان ۲۲۰ کشور رتبه ۲۰۲ را به خود اختصاص داد و در قاره آسیا بعد از کشورهای چین عراق و افغانستان قرار گرفت (پایگاه خبری/تحلیلی فرارو، ۱۶ شهریور ۱۳۹۰).

با توجه به مطالب فوق که عمدتاً حاکی از رابطه مثبتی بین دین‌داری و شادمانی هستند و از طرف دیگر، سطح پایین شادمانی گزارش‌شده در تحقیقات داخلی و خارجی در ایران، پرسش این مقاله این است که در یک جمعیت خاص در جامعه ایران، دین‌داری و شادمانی چه رابطه‌ای با هم دارند؟ آزمون تجربی رابطه این دو متغیر می‌تواند به فهم ما از کارکردهای ویژه دین در متن جامعه ایران کمک کند و تناقض‌های مطرح‌شده در بالا را تا حدی توضیح دهد.

## ۲. پیشینه نظری و تجربی

### ۲.۱. پیشینه نظری

مباحث نظری در دو بخش دنبال می‌شوند. ابتدا به مهم‌ترین نظریه‌های جامعه‌شناسان دین درباره دین اشاره می‌شود تا دلالت‌های آن‌ها برای اثر دین بر شادمانی مشخص شود. در این بخش متناسب با موضوع، نظریه‌های کارکردگرایانه و معناگرایانه درباره دین مرور می‌شوند. سپس نظریه‌های تبیین‌کننده شادمانی مطرح خواهند شد و در نهایت، براساس این نظریه‌ها و یافته‌های مطالعات تجربی، مدل نظری تحقیق مطرح خواهد شد.

### الف) رویکردهای کارکردگرا و معناگرا در جامعه‌شناسی دین

آلپرت که یکی از شارحان آثار دورکیم است، می‌نویسد که کارکردهای دین از نظر دورکیم را می‌توان در چهار گروه قرار داد. انضباط بخش و آماده‌ساز، انسجام‌بخش، حیات‌بخش و خوشبختی بخش<sup>۱</sup>. مناسک

1 Disciplinary and preparatory, cohesive, revitalizing, and euphoric

دینی به افراد انضباط شخصی و زهدگرایی که از ضروریات زندگی اجتماعی هستند، می‌آموزند و به این ترتیب، آن‌ها را برای زندگی اجتماعی آماده می‌کنند. مراسم دینی مردم را دور یکدیگر جمع می‌کند و از این رو پیوندهای مشترک آن‌ها را تثبیت و انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند. از طریق مراسم دینی اعضای جامعه از میراث اجتماعی خود عمیقاً آگاه می‌شوند و اصلی‌ترین عناصر وجدان جمعی زنده می‌مانند و سرانجام اینکه، دین در پیروانش احساس خوش سعادت و خوشبختی اجتماعی را به وجود می‌آورد و در نتیجه، احساس ناکامی، بی‌ایمانی و تردید را از دل آنان می‌زداید (کوزر، ۱۳۸۵، ص. ۲۰۰).

برخی از نظریه‌پردازان کارکردگرایی، نقطه عزیمت بحث خود درباره کارکردهای دین را کارکردهای روانی آن قرار داده‌اند. بینگر دین را پاسخی برای حل مسایل غایی حیات انسانی مانند رنج، عدم اطمینان و مرگ و دستیابی به آرامش و وقار در برابر رنج و بد اقبالی می‌داند (همیلتون، ۱۳۸۷، صص. ۲۰۳-۲۰۲). از نظر او دین از طریق معنا بخشیدن به تجربه‌های ناراحت‌کننده برای مسایلی چون مرگ و رنج پاسخ‌هایی را فراهم می‌کند. دین تا حدی بدبختی‌ها و ناکامی‌ها را بی‌اهمیت جلوه می‌دهد. او یکی از کارکردهای دین را فراهم آوردن حمایت و تسلی برای انسان می‌داند (همان، ص. ۲۰۸-۲۰۷). از نظر اودی زندگی بشر با سه ویژگی احتمال، ناتوانی و کمیابی همراه است که برای بشر محرومیت به بار می‌آورد و سازگاری با این ناکامی‌ها و محرومیت‌ها تنها از طریق دین امکان‌پذیر است. از نظر او دین از طریق معنابخشیدن به تجربه‌های ناراحت‌کننده، برای مسایلی چون مرگ و رنج پاسخ‌هایی را فراهم می‌کند و به سازگاری با آن چیزی که اودی نقاط شکننده زندگی روزانه می‌نامد، کمک می‌کند (همان، ص. ۲۰۷).

جامعه‌شناسان معناگرا مانند ماکس وبر، پیتر برگر و گیرتز هم بر کارکردهای روانی دین برای افراد تأکید دارند. وبر در نظریه دین خود بر نقش دین در معنابخشی به زندگی تأکید دارد و آن را بر مبنای نیازی انسان‌شناختی توضیح می‌دهد: «انسان نیازی متافیزیکی به جهان معنادار دارد» (وبر، ۱۳۸۴، ص. ۴۱۱). نیاز مذکور از زیستن انسان در جهان بی‌نظم و ذاتاً بی‌معنا ناشی می‌شود. به نظر او انسان همواره با مسأله رنج و سختی درگیر بوده است و ادیان مختلف برای رهایی از این مسایل راه‌هایی گشوده‌اند. مفهوم «عدل‌الهی» که در همه ادیان بزرگ مفهومی کلیدی است. همه رویدادهای خوب و بد زندگی را توجیه می‌کند و توضیح می‌دهد که حوادث دشوار و ظالمانه موقتی هستند و در جهان آخرت جبران خواهند شد. این رویدادها در چهارچوب نظم معنایی ماوراء طبیعی که دین ارائه می‌کند، منظم و معنادار و عادلانه به نظر می‌رسند (وبر، ۱۳۸۴، ص. ۳۱۸؛ پارسونز<sup>۱</sup>، ۱۹۶۵، ص. xLvi-xLvii؛ همیلتون، ۱۳۸۷، صص. ۲۳۶-۲۳۴).

ین دیدگاه وبر در آراء گیرتز درباره دین دنبال شده است. وی دین را پاسخی برای تبیین تجارب سردرگمی، رنج و شر می‌داند. به نظر او دین، اولاً تبیینی است برای رویدادهای شگفت آور که با وسایل عادی قابل تبیین نیستند. ثانیاً، افراد را برای پذیرش و تحمل کردن درد و رنج (و نه پرهیز از آن) مهیا می‌کند و در نهایت این‌که تجربه‌های بشر از بی‌عدالتی و نابرابری را توجیه کرده و نشان می‌دهد که بی‌عدالتی‌ها تنها به ظاهر وجود داشته و حتی آن‌ها هم الگوی معنی‌داری دارند و با دادگری در جهانی دیگر جبران خواهند شد (همیلتون، ۱۳۸۷، صص. ۲۶۹-۲۶۶؛ پالس، ۱۳۸۲).

برگر هم معتقد است که انسان به صورت ذاتی و همگانی گرایش دارد نظمی معنادار بر واقعیت تحمیل کند (همیلتون، ۱۳۸۷، ص. ۲۸۰). به گفته او «در طول بخش اعظمی از تاریخ موجود بشر، دین در ایجاد چتری فراگیر از نمادها، برای یک‌پارچگی با معانی جامعه، نقشی اساسی بر عهده داشته است. معانی، ارزش‌ها و باورهای گوناگون رایج در جامعه نهایتاً از طریق تفسیری جامع درباره واقعیت که زندگی انسان را به کل نظام عالم ربط می‌داد، یک‌پارچه می‌شدند. در واقع از منظر جامعه‌شناسانه و روان‌شناختی-اجتماعی، دین را می‌توان به عنوان ساختاری شناختی و هنجاری توصیف کرد که احساس بودن در کاشانه خود در جهان هستی را برای انسان ممکن می‌سازد» (برگر، بریجیت و کلنر، ۱۳۸۱، ص. ۸۷). دین کوششی است برای معنی‌دار کردن اسرار گیتی که علاوه بر مشروع و درک پذیر ساختن نظم اجتماعی، تجاربی که باعث ازهم‌گسیختگی اجتماعی و نابسامانی می‌شود را معقول می‌کند. همچنین تجارب حاشیه‌ای مانند رؤیاهای مرگ، بلاها، جنگ، شورش‌های اجتماعی، خودکشی، رنج و شر را مشروع می‌سازد (برگر<sup>۱</sup>، ۱۹۶۷، ص. ۵۳؛ همیلتون، ۱۳۸۷، ص. ۲۷۳).

#### ب) نظریه‌های تبیین‌کننده شادمانی

برخی از صاحب‌نظرانی که درباره شادمانی مطالعه کرده‌اند، متغیرها و نظریه‌هایی برای تبیین شادمانی مطرح کرده‌اند. از نظر چلبی (۱۳۸۳) عوامل برخاسته از نظام اجتماعی که بر شادمانی مؤثرند عبارتند از: احساس هم‌بستگی اجتماعی (شامل احساس دوستی و هم‌بستگی، احساس خشنودی، احساس هویت جمعی، احساس اعتماد)، احساس عدالت و امنیت (شامل احساس امنیت، احساس خودمختاری، احساس امید، احساس عدالت)، احساس عزت و احترام (شامل هویت فردی، عزت نفس، احساس بصیرت و تعیین اجتماعی)، احساس بهبودی و آسایش (شامل احساس سلامتی، احساس رفاه مادی، احساس رضایت از زندگی). در میان این عوامل با توجه به نظریات جامعه‌شناسان دین از جمله امیل دورکیم که کارکردهایی

چون انسجام اجتماعی، انتظام اجتماعی، حیات‌بخشی و امیدبخشی را برای دین بر می‌شمرد، می‌توان گفت که دین از طریق متغیرهای هم‌بستگی اجتماعی و عدالت و امنیت و تا حدودی عزت و احترام، باعث افزایش سطح شادمانی می‌شود.

وین هوون (۲۰۰۹) در مطالعه شرایط سعادت ذهنی (شادمانی) به عواملی مانند مدرنیته، دولت رفاه، نابرابری اجتماعی، مشارکت اجتماعی و حمایت اجتماعی اشاره می‌کند و جنبه‌های مختلف تأثیر هر کدام را بر سعادت ذهنی می‌سنجد. در میان این عوامل به نظر می‌رسد که دین‌داری به خاطر ارتباطی که با متغیر حمایت اجتماعی دارد، می‌تواند از طریق مکانیسم‌هایی چون تقویت روابط صمیمانه و به تبع آن فراهم‌آوردن حمایت، در افزایش سطح شادمانی مؤثر واقع شود. همچنین به خاطر ارتباطی که با مشارکت اجتماعی دارد، می‌تواند از طریق به وجود آوردن احساس کنترل در فرد و جزئی از جامعه‌بودن باعث افزایش سطح شادمانی شود.

برخی از صاحب‌نظران و پژوهش‌گران به طور مشخص رابطه دین‌داری و شادمانی را مطالعه کرده و برای تبیین این رابطه توضیحاتی داده‌اند. به نظر لیم و پاتنام<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) شبکه‌های اجتماعی ساخته‌شده در جماعت‌های مذهبی و هویت‌های مذهبی قوی متغیرهای کلیدی واسطه ارتباط مثبت بین مذهب و رضایت از زندگی هستند. شبکه‌های اجتماعی جماعت مذهبی تنها زمانی که با احساسی قوی از تعلق مذهبی همراه باشند از دیگر شبکه‌های اجتماعی (سکولار) متمایز هستند. همچنین زمانی که شبکه‌های اجتماعی در یک جماعت مذهبی یک هویت را تحکیم کنند، این احساس قوی هویت، رضایت از زندگی را بالا می‌برد. الیسون<sup>۲</sup> (۱۹۹۱) اظهار می‌دارد که مذهب اجتماعی از طریق افزایش سرمایه اجتماعی رضایت از زندگی را افزایش می‌دهد، همچنین مذهب اجتماعی می‌تواند از طریق ساخت و نگه‌داشت ساختارهای معقول (زمینه اجتماعی - فرهنگی برای نظام معناها و اعتقادات در جامعه) رضایت از زندگی را افزایش دهد (الیسون، ۱۹۹۱ به نقل از کوزاریان<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰). همچنین، کمپل کونورس و راجرز<sup>۴</sup> (۱۹۷۶) بر این باورند که مذهب به‌سادگی در شادمانی مشارکت ندارد؛ بلکه از طریق تسکین‌دادن رنج زندگی در افزایش شادمانی مشارکت دارد (به نقل از کوزاریان، ۲۰۱۰). به نظر هیدی، اسچوب، تسی، وانگر (۲۰۰۸) افرادی که به طور مداوم، اهداف اجتماعی و نوع‌دوستانه را تعقیب می‌کنند (به جای این‌که اهداف منحصراً خودخواهانه و مادی‌گرایانه داشته باشند) بهره‌بلندمدتی از رضایت از زندگی به دست می‌آورند؛ درست مانند مردمی که

1 Putnam

2 Elison

3 Kozaryan

4 Campbell, Converse and Rodgers

درگیر شدن در فعالیت‌های مذهبی را افزایش می‌دهند. به این معنا که دین‌داری از طریق ایجاد اهداف اجتماعی و نوع‌دوستانه می‌تواند نقش بسزایی در افزایش رضایت از زندگی داشته باشد.

در جمع‌بندی از مباحث جامعه‌شناسان دین و صاحب‌نظران شادمانی می‌توان گفت که دین‌داری از طریق یک سری مکانیسم‌ها و متغیرهای روانی مانند معنا بخشیدن به زندگی، هدف‌مند ساختن زندگی، فراهم آوردن حمایت، فراهم آوردن امنیت عاطفی، مشروع و درک پذیر ساختن نظم موجود، امیدبخشی، تسکین دادن درد و رنج، سازگاری با این ناکامی‌ها و محرومیت‌ها و نیز یک سری مکانیسم‌ها و متغیرهای اجتماعی مانند افزایش هم‌بستگی اجتماعی، افزایش انتظام اجتماعی، ساختن شبکه‌های اجتماعی در جماعات مذهبی، حمایت اجتماعی، ساختن هویت‌های مذهبی قوی در شبکه‌های اجتماعی مذهبی، ایجاد تعلق مذهبی، افزایش سرمایه اجتماعی و ساخت و نگهداشت ساختارهای معقول می‌تواند سطح شادمانی را افزایش دهد که هر دوی آن‌ها باید مد نظر قرار گیرند.

#### ۲.۲. پیشینه تجربی

موضع شادمانی و ارتباط آن با سایر متغیرها از جمله دین‌داری در تحقیقات داخلی و خارجی توسط روان‌شناسان و جامعه‌شناسان مطالع شده است که به برخی از مهم‌ترین و جدیدترین آن‌ها به تفکیک داخلی و خارجی اشاره می‌شود.

#### ۲.۲.۱. پژوهش‌های داخلی

قمری (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان بررسی رابطه دین‌داری و میزان شادمانی به تفکیک جنسیت و وضع تأهل در بین دانشجویان، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای، از بین دانشجویان دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۲ و با استفاده از مقیاس عمل به باورهای دینی (معبد) و پرسش‌نامه شادمانی آکسفورد، به این نتیجه دست یافت که بین دین‌داری و شادمانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. رابطه دین‌داری و میزان شادمانی در بین دانشجویان مذکور قوی‌تر است؛ این رابطه در بین دانشجویان مجرد و متأهل متفاوت نیست.

حیدری رفعت و هدایتی نوین‌فر (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان رابطه بین نگرش دینی و شادکامی در بین دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، ۴۱۸ نفر را به عنوان نمونه پژوهش انتخاب کردند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین نگرش دینی و شادکامی دانشجویان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد، اما بین دانشجویان دختر و پسر در نگرش دینی و شادکامی تفاوت معناداری وجود نداشت؛ به علاوه بین دانشجویان مجرد و متأهل در نگرش دینی و شادکامی تفاوت

معناداری وجود داشت و دانشجویان متأهل شادکام‌تر و نگرش دینی بیشتری داشتند. همچنین، بین دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری در نگرش دینی تفاوت معناداری وجود داشت و دانشجویان مقطع دکتری از نگرش دینی بیشتری برخوردار بودند؛ ولی از لحاظ شادکامی تفاوتی بین آن‌ها مشاهده نشد. عظیمی هاشمی (۱۳۸۳) هم در تحقیقی با عنوان رضایت از زندگی و دین‌داری در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه (شهرهای فردوس، درگز و مشهد)، به این نتیجه رسید که هم تغییری مثبت بین این دو متغیر به وضوح قابل مشاهده است و دین‌داران از رضایت بیشتری برخوردارند. همچنین، تحقیق سراج‌زاده و پویافر (۱۳۸۷) نشان می‌دهد که بین دین‌داری و احساس آنومی افراد رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد.

#### ۲.۲.۲. پژوهش‌های خارجی

کوئینگ، مک کولا و لارسون<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) مرور جامعی از پژوهش‌های مربوط به رابطه مذهب و رضایت از زندگی انجام داده‌اند. از ۱۰۰ مطالعه مورد بررسی، ۸۰ درصد هم‌بستگی مثبت را گزارش کردند و ۱۳ درصد هیچ رابطه‌ای پیدا نکردند و ۷ درصد هم نتایج درهم و برهمی داشتند. تنها یک مطالعه رابطه‌ای منفی گزارش کرده بود. عقیلی و کومار<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان رابطه نگرش مذهبی و شادمانی در نمونه‌ای ۱۴۹۷ نفره از مردم ایران (۷۴۴ مرد و ۷۴۷ زن) و با استفاده از مقیاس نگرش مذهبی راجمانیکاز و مقیاس شادمانی آکسفورد، به این نتیجه دست یافتند که بین نگرش مذهبی و شادمانی هم‌بستگی معناداری وجود دارد. آدرتون، گراهام و استیدمن<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان دین و شادمانی اظهار می‌دارند که بر مبنای دیدگاه‌ها، مفهوم‌سازی‌ها و روش‌شناسی‌هایی که در زمینه روان‌شناسی دین، روان‌شناسی مثبت و الهیات مطرح شده است، نتیجه‌ای که از آزمون رابطه بین دو متغیر دین و شادمانی می‌توان گرفت این است که در گروه‌های سنی و سنت‌های مذهبی مختلف، بین این دو متغیر یک رابطه قوی وجود دارد و شواهد تجربی نشان می‌دهد که به طور کلی دین‌داران شادمان‌ترند.

اسنوپ<sup>۴</sup> (۲۰۰۸) در یک مطالعه با عنوان مذهب و شادمانی در سه ملت (آمریکا، دانمارک و هلند) با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی رابطه این دو متغیر را آزمود. نتایج این مطالعه نشان داد که رابطه مذهب و شادمانی در آمریکا (۰/۱۳) قوی‌تر از هلند (۰/۰۵) و دانمارک (۰/۰۵) است و نیز در افزایش شادکامی جنبه‌های اجتماعی مهم‌تر از تجربه‌های خصوصی‌اند. نتیجه نهایی که نویسنده می‌گیرد این

1 Koenig, McCullough and Larson

2 Aghili & Kumar

3 Athertone, Graham and Steadman

4 Snope

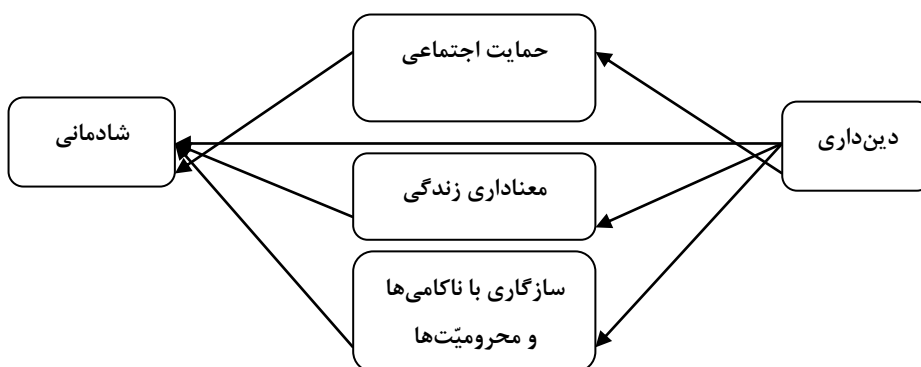


است که تأثیرات مذهب بر شادمانی در همه جا یکسان نیست. در تحقیقی دیگر با عنوان دین‌داری، شک دینی و نیاز به دانستن و رابطه متقابلشان با رضایت از زندگی، نمونه‌ای از گروه‌های سنی ۱۸ تا ۷۸ ساله از دانشجویان دانشکده هنرهای آزاد مید وسترن و ساوت استرن و همچنین شرکت‌کنندگان حاضر در کلیسای ویترویت مطالعه شدند (گادیر، کریستوفر، والتر، میراد و پام<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که رابطه مثبت و معناداری بین دین‌داری و رضایت از زندگی وجود دارد در حالی که میان شک دینی و رضایت از زندگی رابطه‌ای از نوع منفی وجود دارد. کوزاریان (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان مذهب و رضایت از زندگی در میان ۷۹ ملت، با استفاده از داده‌های پیمایشی نشان داد که تأثیر مذهب بر مردم گوناگون و در کشورهای گوناگون متفاوت است. از نظر او مذهبی‌بودن شخصی نیست که مردم را شادتر می‌کند؛ بلکه بیشتر شرایط اجتماعی مؤثر است. مردمی که به خدا اعتقاد دارند شادتر از مردمی هستند که به خدا اعتقاد ندارند؛ اما اگر آن‌ها در جامعه‌ای زندگی کنند که بیشتر مردم به خدا ایمان دارند، خیلی شادتر از بی‌ایمان‌ها هستند.

مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که معدود تحقیقات داخلی، بین دین‌داری و شادمانی رابطه مثبت معناداری را گزارش می‌کنند. همچنین اکثر پژوهش‌های خارجی این رابطه را مثبت یافته‌اند. با وجود این، پژوهش‌هایی که به صورت مقایسه بین کشوری انجام شده، رابطه دین‌داری و شادمانی را در همه موقعیت‌ها و کشورها مثبت نیافته‌اند و بر اثر شرایط اجتماعی تأکید داشته‌اند و نه گرایش دینی. بخش زیادی از تحقیقات داخلی در این زمینه (به خصوص با عنوان رابطه دین‌داری و شادمانی) با رویکردی روان‌شناختی صورت گرفته‌اند و نه جامعه‌شناختی، یافته‌های تحقیقات خارجی بدون توجه به تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی آن کشورها با کشور ایران، قابل تعمیم به جامعه ایران نیست. به ویژه برخی از تحقیقات نشان داده‌اند که اثر مذهب بر رضایت از زندگی و شادمانی در جوامع مختلف متفاوت است. به علاوه در تحقیقاتی که در ایران انجام شده است، مکانیسم علی رابطه دین‌داری و شادمانی دیده نشده و عمدتاً به رابطه مستقیم این دو متغیر پرداخته‌اند. از این رو، مطالعه رابطه این دو متغیر مستلزم آزمون‌های بیشتری است که سایر متغیرهای اثرگذار را کنترل کنند. در این مقاله، علاوه بر آزمون رابطه مستقیم دین‌داری و شادمانی، رابطه این دو متغیر با واسطه سه متغیر حمایت اجتماعی (متغیر اجتماعی) و متغیرهای معنی‌داری زندگی و سازگاری با ناکامی‌ها و محرومیت‌ها (متغیرهای روانی) آزمون می‌شود.

## ۳. چهارچوب نظری

همان‌طور که در مرور نظریه‌ها مشخص شد، دین‌داری با افزایش حمایت اجتماعی و نیز با معنادارساختن زندگی فرد و تقویت آمادگی روانی و اجتماعی او برای مواجهه با ناکامی‌ها و محرومیت‌ها، موجب تقویت شادمانی افراد می‌شود. مدل نظری تحقیق بر اساس همین روابط ترسیم شده است (شکل ۱). بر مبنای این مدل فرضیه‌های تحقیق عبارتند از: ۱. هرچه دین‌داری افراد بیشتر باشد، حمایت اجتماعی آن‌ها بیشتر است. ۲. هر چه حمایت اجتماعی افراد بیشتر باشد، شادمانی آن‌ها بیشتر است. ۳. هرچه دین‌داری افراد بیشتر باشد زندگی آن‌ها معنادارتر است. ۴. هرچه زندگی افراد معنادارتر باشد، شادمانی آن‌ها بیشتر است. ۵. هرچه دین‌داری افراد بیشتر باشد، بیشتر با ناکامی‌ها و محرومیت‌ها کنار می‌آیند. ۶. هر چه سازگاری انسان با محرومیت‌ها و ناکامی‌ها بیشتر باشد، شادمان‌تر است. ۷. هر چه دین‌داری افراد بیشتر باشد، شادمانی آن‌ها بیشتر است.



شکل ۱- مدل نظری ارتباط بین متغیرها

## ۴. روش تحقیق

## ۴.۱. جمعیت و نمونه

این مطالعه کمی است و به روش پیمایشی و با استفاده از پرسش‌نامه انجام شده است. جمعیت مورد مطالعه تمامی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه خوارزمی واحد کرج هستند که در در ترم دوم سال تحصیلی ۹۱-۹۲ مشغول به تحصیل بوده‌اند. تعداد این دانشجویان ۱۰۵۹۴ نفر بود. با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، با دقت احتمالی ۵ درصد و حد اکثر ۵ درصد احتمال خطا و با فرض بیشترین پراکندگی صفات مورد مطالعه ( $P = 0/5$  و  $q = 0/5$ )، و به روش طبقه‌ای متناسب نمونه‌ای با حجم ۳۷۱ نفر، انتخاب شد و پرسش‌نامه بین آن‌ها توزیع شد.

#### ۴.۲. تعاریف نظری و عملیاتی

**شادمانی:** جامع‌ترین و در عین حال عملیاتی‌ترین تعریف از شادمانی را وین هوون (۱۹۹۲) به دست می‌دهد. او شادمانی را درجه و میزانی می‌داند که با آن یک فرد کیفیت کلی زندگی را به عنوان زندگی کاملاً مطلوب مورد قضاوت قرار می‌دهد. به عبارت دیگر زندگی را که شخص در حال هدایت آن است چقدر دوست دارد. در این تحقیق شادمانی به وسیله پرسش‌نامه شادمانی آکسفورد، که در سال ۱۹۸۹ ساخته شده و در ایران استاندارد شده است (علیپور و نوربالا، ۱۳۸۷، ص. ۵۷)، سنجیده شد. ۲۱ گویه از این آزمون، شامل گویه‌های معکوس شده آزمون شناخته شده افسردگی بک و ۸ گویه دیگر شامل ابعاد دیگر از این سازه است.

**دین‌داری:** دینی بودن عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای که ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در آن متجلی باشد گفته می‌شود. تجلی این ارزش‌ها و نشانه‌ها را در نگرش، گرایش و اعمال آشکار و پنهان فرد می‌توان جست و جو کرد. به نظر فاراب دین‌داری به معنای داشتن اهتمام دینی است، به نحوی که گرایش‌ها و کنش‌های فرد را متأثر سازد (فاراب، ۱۹۷۷، به نقل از شجاعی زند، ۱۳۸۲). در این پژوهش برای عملیاتی کردن و سنجش میزان دین‌داری از مدل گلاک و استارک که توسط سراج زاده (۱۳۷۸) بومی شده، استفاده شده است. مدل مذکور دارای ابعاد چهارگانه اعتقادی، مناسکی، عاطفی و پیامدی است. دامنه نمرات در هر یک از ابعاد دین‌داری، از ۱ (به منزله عدم اعتقاد) تا ۵ (اعتقاد کامل) است. میزان دین‌داری، حاصل ترکیب ابعاد چهارگانه مذکور است.

**حمایت اجتماعی:** حمایت اجتماعی را می‌توان به عنوان تعاملات یا ارتباطات اجتماعی تعریف کرد که کمک واقعی یا احساس وابستگی به شخص یا گروهی را فراهم می‌کند؛ بنابراین حمایت اجتماعی مفهومی چندبعدی است که صمیمیت عاطفی یا احساس نزدیکی به اطرافیان را در بر می‌گیرد (یاب و دویلی، ۲۰۰۴ به نقل از سراج زاده، جواهری و ولایتی، ۱۳۹۲، ص. ۶۵). در این تحقیق حمایت اجتماعی با استفاده از شاخص حمایت اجتماعی (SSI)، که توسط ثامنی (۱۳۷۶) ساخته شده، سنجیده شده است. این شاخص دو عامل حمایت خانواده و حمایت دوستان را در بر دارد.

**معناداری زندگی:** معناداری را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «تفسیری وجودی که افراد از تمام تجارب زیسته خود؛ اعم از (رنج، خوشبختی، بی‌عدالتی، شر، سردرگمی و غیره) در قالب نظامی نمادین فراهم می‌آوردند به شیوه‌ای که کل هستی را در طرحی هدف‌مند توجیه‌پذیر می‌سازد» (هیکس و کینگ، ۲۰۰۸، ص.

۴۶-۴۵ به نقل از رحیمی، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۳). برای سنجش معناداری زندگی در این تحقیق، از مقیاس معناداری زندگی که توسط سراج‌زاده و رحیمی (۱۳۹۲) ساخته شده است و شامل ابعاد ارزشمندی، امیدواری و هدف‌داری است استفاده شده است.

**سازگاری با ناکامی‌ها و محرومیت‌ها:** با توجه به آرا و نظریه‌های جامعه‌شناسانی مثل بینگر، گیرتس، برگر، لاکمن و به‌خصوص نظریه‌های اودی که در قسمت نظری این مقاله آمد، سازگاری با ناکامی‌ها و محرومیت‌ها این‌گونه تعریف می‌شود: «توانایی ارائه تبیینی برای نقاط شکننده زندگی روزانه از طریق قرار دادن آن‌ها در یک زمینه معنی‌دار و قابل تحمل و قابل پذیرش کردن آن‌ها». همچنین، با توجه به مباحث مطرح‌شده در بخش نظری پژوهش، جهت عملیاتی‌کردن این پژوهش، یک سنجه ۱۱‌گویه‌ای در قالب طیف لیکرت طراحی شد.

#### ۳.۴. اعتبار و پایایی

پژوهش‌های زیادی درباره سنجه شادمانی آکسفورد انجام شده که براساس آن‌ها این سنجه از مقادیر بالایی از پایایی بالایی برخوردار است (علیپور و نوربالا، ۱۳۸۷، ص. ۵۸). در تحقیق حاضر، براساس نتایج جدول (۱)، مقدار آلفای استاندارد شده این سنجه ۰/۹۲۶ شد که حاکی از پایایی کاملاً رضایت‌بخشی است. همچنین، سنجه گلاک و استارک از حدود ۱۵ سال قبل توسط پژوهش‌گران مختلف و در تحقیقات زیادی مورد استفاده قرار گرفته و براساس گزارش تمامی این تحقیقات دارای اعتبار و پایایی بالایی بوده است (ر. ک: کاظمی و فرجی، ۱۳۸۸ و سراج‌زاده و پویا فر، ۱۳۸۶ و طالبان، ۱۳۹۲). در این پژوهش، مقدار آلفای استاندارد شده سنجه دین‌داری ۰/۹۱۵ شد که نشانه پایایی بالای سنجه است. آلفای به‌دست‌آمده برای سنجه‌های حمایت اجتماعی، معناداری زندگی و سازگاری با ناکامی‌ها و محرومیت‌ها هم به ترتیب، ۰/۸۰۹، ۰/۸۵۶ و ۰/۷۳۶ شد که مؤید پایایی بالایی است. در مجموع، با توجه به اندازه ضریب آلفا (جدول ۱) همه سنجه‌ها از پایایی و هم‌سازی درونی رضایت‌بخش و بالایی برخوردارند.

جدول ۱- نتایج آزمون کی ام او و آلفای استاندارد برای هرکدام از سنجه‌ها

معنی داری	مقدار بارتلت	مقدار KMO	آلفای استاندارد	سنجه
۰/۰۰۰	۴۱۲۴/۹۳۰	۰/۹۳۱	۰/۹۲۶	شادمانی
۰/۰۰۰	۴۵۵۳/۵۸۶	۰/۹۳۵	۰/۹۱۵	دین‌داری
۰/۰۰۰	۱۱۴۰/۶۹۸	۰/۷۹۳	۰/۸۰۹	حمایت اجتماعی
۰/۰۰۰	۱۳۲۴/۴۳۳	۰/۸۸۳	۰/۸۵۶	معناداری زندگی
۰/۰۰۰	۶۵۰/۲۴۷	۰/۸۲۹	۰/۷۳۶	سازگاری با ناکامی‌ها و محرومیت‌ها

از طرف دیگر، مقدار ک ام او (KMO) و بارتلت هم برای پنج سنجه محاسبه شد (جدول ۱). اندازه ک ام او برای هر پنج سنجه حدود ۰/۸ و بیشتر بود. همچنین نتیجه آزمون بارتلت در تمامی سنجه‌های به-کارگرفته‌شده در این مطالعه، در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنی‌دار است. با توجه به این دو آزمون می‌توان نتیجه گرفت که در هر سنجه، از یک طرف بین گویه‌های داخل هر عامل هم‌بستگی بالایی وجود دارد و از طرف دیگر، بین گویه‌های یک عامل با گویه‌های عامل دیگر، هیچ‌گونه هم‌بستگی مشاهده نمی‌شود و عامل‌های درون هر سنجه ابعاد متمایزی را تشکیل می‌دهند.

از نظر اعتبار سنجه‌ها، اعتبار سنجه‌های دین‌داری، و شادمانی، و معناداری و حمایت اجتماعی در تحقیقات قبلی تأیید شده بود (ر.ک: سراج زاده و پویافر ۱۳۸۶؛ علیپور و نوربالا، ۱۳۸۷؛ سراج زاده، جواهری و ولایتی، ۱۳۹۲؛ سراج زاده و رحیمی، ۱۳۹۲)؛ به علاوه، اعتبار صوری و محتوایی سنجه سازگاری با ناکامی و محرومیت که محقق ساخته است، توسط پنج تن از صاحب‌نظران تأیید شد.

## ۵. یافته‌های تحقیق

### ۵.۱. یافته‌های توصیفی متغیرهای زمینه‌ای

از کل نمونه مورد مطالعه که شامل ۳۷۱ نفر است، ۶۷/۷ درصد را زنان و ۲۳/۳ را مردان تشکیل می‌دهند. این نسبت جنسیتی با نسبت جنسیتی جمعیت آماری پژوهش (۶۷/۳۰ درصد زن و ۲۳/۶۹ درصد مرد) تقریباً برابر است. از نظر توزیع سنی نمونه نیز، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۲۰-۲۱ سال است که ۲۷/۲ درصد از افراد نمونه را به خود اختصاص داده است. از طرفی کمترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۱۹-۱۸ سال است که ۹/۷ درصد است. از نظر وضعیت تأهل، ۸۸/۹ درصد پاسخ‌گویان مجرد و ۱۰/۲ درصد متأهل بوده‌اند. ۰/۳ درصد افراد نمونه به خاطر طلاق و ۰/۵ درصد به خاطر فوت، همسرشان را از دست داده‌اند. از نظر مقطع تحصیلی، ۵۳/۶ درصد در مقطع کارشناسی، ۳۹/۹ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۶/۵ درصد در مقطع دکتری مشغول به تحصیل بوده‌اند.

### ۵.۲. یافته‌های توصیفی متغیرهای اصلی تحقیق

**دین‌داری:** در جدول (۲) توزیع نمره پاسخ‌گویان در هریک از ابعاد دین‌داری و شاخص کل (اعتقادی، تجربی، پیامدی و مناسکی) ارائه شده است. یافته‌های جدول نشان می‌دهد که نمره افراد در بعد اعتقادی و تجربی بالاتر از دو بعد مناسکی و پیامدی است. از حیث نمره کل دین‌داری، ۵۱/۵ درصد از پاسخ‌گویان دین‌داریشان در سطح بالا و ۴۰/۹ درصد دین‌داریشان در حد متوسط است. تنها ۷/۶ درصد از پاسخ‌گویان دین‌داریشان در سطح پایین ارزیابی شده است.

جدول ۲- مقایسه توصیفی ابعاد دین‌داری

میانگین از ۳	میزان (%)			ابعاد
	کم	متوسط	زیاد	
۲/۶۶	۴/۱	۲۵/۷	۷۰/۳	اعتقاد دینی
۲/۵۲	۳/۸	۳۹/۷	۵۶/۵	تجربه دینی
۱/۹۱	۲۲/۴	۶۳/۶	۱۴/۰	پیامد دینی
۱/۷۲	۲۳/۳	۶۲/۵	۵/۱	مناسک دینی
۲/۴۳	۷/۶	۴۰/۹	۵۱/۵	دین‌داری کل

اطلاعات مربوط به دسته‌بندی پاسخ‌گویان از نظر شاخص‌های متغیرهای واسط و وابسته در (جدول ۳) آمده است. از نظر حمایت اجتماعی دانشجویان مورد مطالعه از وضعیت خوبی برخوردارند به طوری که حدود سه چهارم (۷۶ درصد) از حمایت اجتماعی زیاد و بیش از یک پنجم (۲۲/۴ درصد) از حمایت اجتماعی متوسط برخوردارند. فقط ۱/۶ درصد از پاسخ‌گویان حمایت اجتماعی کمی دریافت می‌کردند. حمایتی که افراد از طرف خانواده‌های خود دریافت می‌کنند، بیشتر از حمایتی است که از سوی دوستان خود دریافت می‌کنند؛ به عبارتی، دانشجویان در هنگام سختی‌ها و کامیابی‌هایشان بیشتر روی اعضای خانواده حساب می‌کنند تا روی دوستانشان. این نکته می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که در بین دانشجویان مورد مطالعه، زندگی خانوادگی و حمایت‌هایی که از آن دریافت می‌کنند در حد قابل توجهی اهمیت دارد.

جدول ۳- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب در شاخص‌های مختلف تحقیق

میانگین از ۳	زیاد	متوسط	کم	شاخص‌های کل
۲/۷۴	۷۶	۲۲/۴	۱/۶	حمایت اجتماعی
۲/۳۸	۴۵/۹	۴۶/۵	۷/۶	معناداری زندگی
۲/۰۱	۱۸/۹	۶۴/۱	۱۷	سازگاری با ناکامی‌ها و محرومیت‌ها
۱/۸۸	۷/۵	۷۳/۷	۱۸/۸	شادمانی

از نظر معناداری زندگی، تقریباً اکثر دانشجویان در سطح متوسط و بالا قرار دارند به طوری که نزدیک به نیمی (۴۵/۹ درصد) از دانشجویان در حد زیادی زندگی را معنادار می‌دانند و تقریباً به همین میزان (۴۶/۵ درصد) در حد متوسطی آن را معنادار می‌دانستند.

از نظر میزان سازگاری با ناکامی‌ها و محرومیت‌ها، پاسخ‌گویان تقریباً توزیع نرمالی دارند به طوری که میزان سازگاری نزدیک دو سوم (۶۴ درصد) در حد متوسط است و حدود یک سوم بقیه دارای سازگاری زیاد و کم (به ترتیب ۱۹ و ۱۷ درصد) هستند.

شادمانی متغیر اصلی وابسته در این تحقیق است. از نظر میزان شادمانی، پاسخ‌گویان در حد متوسط و متمایل به کم هستند، به عبارتی حدود سه چهارم (۷۳/۷ درصد) شادمانیشان در سطح متوسط، نزدیک یک پنجم (۱۸/۸ درصد) در سطح کم و ۷/۵ درصد در سطح زیاد قرار گرفته است.

### ۳.۵. یافته‌های تبیینی

با توجه به اینکه همه متغیرهای موجود در مدل در سطح رتبه‌ای سنجیده می‌شدند، ولی دامنه نمره آن‌ها به دلیل شمار زیاد گویه‌ها بالا بود، برای آزمون رابطه بین آن‌ها از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده شد. ماتریس ضرایب هم‌بستگی در (جدول ۴) آمده است. براساس این ضرایب، دین‌داری با متغیرهای واسط حمایت اجتماعی، معناداری زندگی و سازگاری با ناکامی و محرومیت‌ها، رابطه مثبت متوسط یا ضعیفی دارند (ضریب هم‌بستگی پیرسون ۰/۲۲ تا ۰/۳۵) که با احتمال خطای کمتر از ۰/۰۱ معنی‌دار هستند.

این رابطه‌ها را می‌توان چنین توضیح داد که در واقع از یک طرف دین‌داران با عمل به آموزه‌های دینی مبنی بر برقراری روابط با دیگران مخصوصاً خویشاوندان (صله ارحام)، ارتباطات و تعاملات اجتماعی خود را گسترش می‌دهند و از این طریق مذهب حمایت اجتماعی را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد و از طرف دیگر در جامعه دینی ما، فرد با عضویت در جماعت‌های مذهبی از شبکه‌های اجتماعی ساخته‌شده در این جماعات بهره‌مند می‌شود و این نیز برای فرد حمایت اجتماعی به ارمغان می‌آورد.

در ارتباط با معناداری زندگی نیز، با بالا رفتن دین‌داری افراد، معناداری زندگیشان هم در حد متوسطی افزایش پیدا می‌کند. در واقع دین، زندگی انسان را در یک نظام معنی‌دار قرار می‌دهد و با استفاده از این نظم معنی‌دار می‌تواند تجارب ناخوشایند زندگی از جمله سردرگمی، رنج و شر را توجیه کرده و نظم اجتماعی را مشروع سازد و به زندگی معنای بیشتری بدهد. از حیث کنار آمدن با ناکامی و محرومیت هم می‌توان گفت که محتوای باورهای دینی توانایی افراد را در مواجهه با دشواری‌های زندگی افزایش می‌دهد؛ زیرا آن‌ها را بخشی از طرح کلان پروردگار در این جهان و آن جهان می‌داند. دشواری‌ها و بلاها وسیله‌ای برای ابتلا و آزمایش افراد هستند و در جهانی دیگر جبران می‌شوند. این نوع نگاه به زندگی، به افراد کمک می‌کند تا ناکامی‌ها، نداری‌ها، و بلاها و مصیبت‌ها را آسان‌تر تحمل کنند.

رابطه مستقیم دین داری با شادمانی رابطه ضعیفی است (ضریب هم‌بستگی پیرسون نزدیک به ۰/۲)؛ یعنی با افزایش پایبندی دینی، میزان شادمانی افراد اندکی افزایش می‌یابد؛ اما حمایت اجتماعی، معناداری زندگی و کنار آمدن با ناکامی و محرومیت‌ها، با شادمانی رابطه مثبت متوسط و قوی دارند (۰/۴۱ تا ۰/۶۸) قوی‌ترین رابطه (۰/۶۸) مربوط به معناداری است.

به این ترتیب، افرادی که از حمایت اجتماعی بیشتری برخوردارند زندگی شادتری دارند به خصوص حمایت اعضای خانواده، شادمانی و سعادت ذهنی را افزایش می‌دهد. همچنین، هرچه سازگاری فرد با ناکامی‌ها و محرومیت‌ها بیشتر باشد، شادمانی‌اش بیشتر خواهد بود. هنگامی که فرد با توجیه ناگواری‌ها و محرومیت‌های زندگی‌اش آن‌ها را قابل تحمل کرده و با آن‌ها کنار بیاید، قضاوت او درباره مطلوبیت زندگی‌اش بهتر بوده و بیشتر احساس خوشبخت بودن می‌کند. به عبارت دیگر، دین می‌تواند با توجیه و کنار آمدن با ناکامی‌ها و محرومیت‌های زندگی فرد، احساس دوست داشتن زندگی و خوشبختی را در او افزایش دهد. در ارتباط با معناداری زندگی، همان‌طور که اشاره شد، این متغیر دارای قوی‌ترین رابطه با شادمانی است. به این معنی که افرادی که دارای زندگی معنی‌دارتری هستند، به میزان قابل ملاحظه‌ای شادمان‌تر از بقیه هستند. در نتیجه هنگامی که فرد زندگی‌اش را در یک چهارچوب و زمینه معنی‌دار قرار دهد و در پس همه اتفاقات زندگی‌اش فلسفه و معنایی را در نظر داشته باشد، بی‌گمان قضاوت او در مورد مطلوبیت زندگی‌اش بهتر خواهد بود.

جدول ۴- مقدار ضریب هم‌بستگی و سطح معنی‌داری مربوط به رابطه بین متغیرهای تحقیق

متغیرها	دین داری	حمایت اجتماعی	معناداری زندگی	سازگاری با ناکامی‌ها و محرومیت‌ها	شادمانی
دین داری	۱	۰/۲۲۲**	۰/۳۴۹**	۰/۳۰۹**	۰/۱۹۷**
حمایت اجتماعی		۱	۰/۴۰۴**	۰/۲۷۰**	۰/۴۱۱**
معناداری زندگی			۱	۰/۵۳۴**	۰/۶۸۴**
سازگاری با ناکامی‌ها و محرومیت‌ها				۱	۰/۵۰۱**
شادمانی					۱

\*\* هم‌بستگی در سطح اطمینان بالاتر از ۹۹ درصد معنی دار است

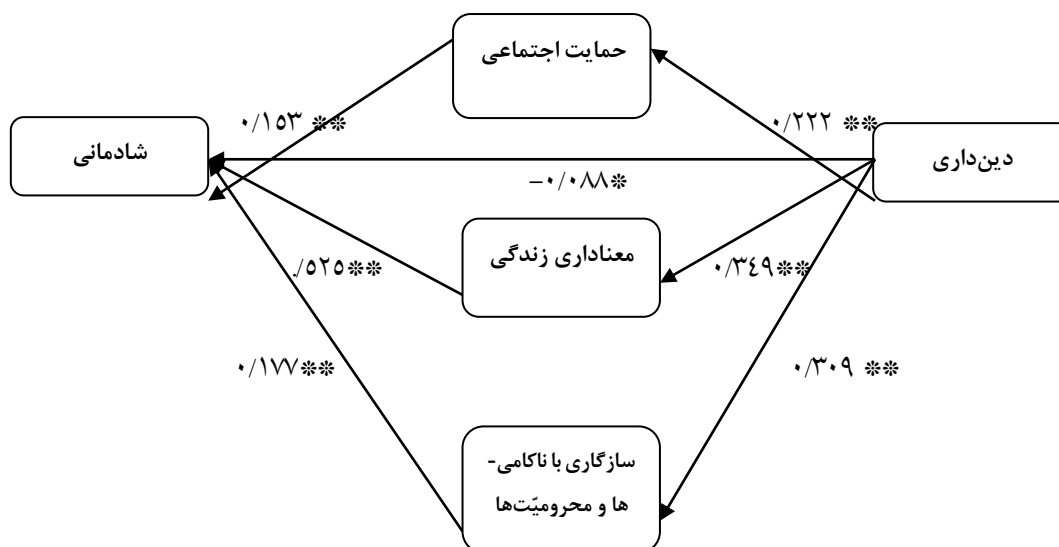
#### ۵. ۴. آزمون مدل نظری تحقیق

با توجه به مدل نظری تحقیق، برای آن‌که اثر دین‌داری، حمایت اجتماعی، معنی‌داری زندگی و سازگاری با ناکامی‌ها و محرومیت‌ها بر شادمانی با کنترل اثر هر کدام و نیز اثر مستقیم و غیر مستقیم دین-داری بر شادمانی آزمون شود، از رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج رگرسیون نشان



می دهد که هر چهار متغیر، تأثیر معنی داری بر متغیر شادمانی دارند. همچنین از بین متغیرهای وارد شده، متغیر معناداری زندگی با مقدار بتای ۰/۵۴۶ دارای بیشترین اثر بر شادمانی است و بعد از آن، سازگاری با ناکامی ها و محرومیت ها با مقدار بتای ۰/۱۸۵، حمایت اجتماعی با مقدار بتای ۰/۱۵۹ و دین داری با مقدار بتای ۰/۰۸۸، به ترتیب بالاترین تأثیر رگرسیونی را بر متغیر شادمانی دارند. این متغیرها در مجموع، ۵۱ درصد از تغییرات شادمانی را تبیین می کنند که در حد قابل توجهی است.

نکته قابل توجه این است که علی رغم اینکه نتایج آزمون هم بستگی پیرسون نشان داد که متغیر دین - داری هم بستگی مثبت معناداری با شادمانی دارد (۰/۲۲)؛ اما زمانی که این متغیر (دین داری) همراه با متغیرهای مستقل دیگر (حمایت اجتماعی، معناداری زندگی و سازگاری با ناکامی ها و محرومیت ها) در معادله رگرسیون وارد شد، نتیجه ای خلاف انتظار به دست آمد و اثر آن منفی شد. به عبارت دیگر اثر مستقیم دین داری بر شادمانی با کنترل این متغیرها، اثر منفی ضعیفی است، اما اثر مثبت دین داری به طور غیرمستقیم و از طریق متغیرهای حمایت اجتماعی، معناداری زندگی و سازگاری با ناکامی ها و محرومیت ها بر شادمانی اثر مثبت قابل توجهی دارد. ممکن است این اثر منفی از طریق متغیرهایی مثل ایجاد دنیاگریزی در فرد، ایجاد نوعی واسواس و ترس از گناه و مجازات ناشی از آن ها و ایجاد وابستگی و سطوح پایین تر خودشکوفایی، عدم انطاف پذیری و جزمیت گرایی ظاهر شود.



شکل ۲- دیاگرام مسیر عوامل مؤثر بر شادمانی

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به دست آمده از این تحقیق مشخص شد که میزان پای‌بندی دین‌داری پاسخ‌گویان در سطح بالایی است که این نتیجه در جامعه دینی ما که دین در تمام جنبه‌های فردی و اجتماعی از نفوذ قابل توجهی برخوردار است، قابل انتظار است. این میزان در ابعاد اعتقادی و تجربی بیش از جنبه‌های پیامدی و مناسکی است؛ به عبارت دیگر، با توجه به ریشه‌دارتر بودن اعتقادات و احساسات دینی در ساختار روانی بشر و جوامع بشری (نسبت به انجام مناسک و اجرای دستورات دینی) و نیز با اتفاق افتادن تغییرات اجتماعی و رشد جریان مدرنیته و توجه به فردگرایی به عنوان یکی از اصول اساسی آن، بیشتر ابعادی از دین‌داری مورد توجه واقع می‌شود که بر جنبه‌های فردی و خصوصی و دورنی‌تر دین‌داری از جمله تجارب و اعتقادات دینی توجه دارد تا دیگر ابعاد دین‌داری (ابعاد مناسکی و پیامدی). این یافته با نتایج تحقیقات پیشین هماهنگ است (سراج‌زاده، ۱۳۷۸؛ طالبان، ۱۳۸۱؛ رحیمی، ۱۳۹۱). همچنین حمایت اجتماعی دریافتی پاسخ‌گویان در سطح بالایی گزارش شده است که این یافته با نتایج تحقیق مشابهی در این زمینه که بر روی نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه تبریز انجام شده مشابه است (سراج‌زاده، جواهری و ولایتی، ۱۳۹۲، ص. ۶۷). از نظر معناداری زندگی دانشجویان در سطح متوسط و بالایی قرار داشتند که این نتیجه نیز با یافته تحقیق مشابهی که در یک جمعیت دانشجویی اجرا شده، هماهنگ است (رحیمی، ۱۳۹۱)؛ علاوه بر این، پاسخ‌گویان از نظر سازگاری با ناکامی‌ها و محرومیت‌ها در سطح متوسطی هستند و در نهایت، هماهنگ با تحقیق دیگری در زمینه شادمانی در جامعه ایران (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷)، میزان شادمانی پاسخ‌گویان در این پژوهش در حد متوسط و متمایل به کم گزارش شده است.

از نظر رابطه بین متغیرها، یافته‌ها حاکی از آن است که میان دین‌داری و متغیرهای واسطه‌ای (حمایت اجتماعی، معناداری زندگی و سازگاری با ناکامی‌ها و محرومیت‌ها) رابطه مثبتی وجود دارد. همچنین، دین‌داری با متغیر وابسته (شادمانی) در سطح صفر (بدون کنترل متغیرهای واسطه‌ای) رابطه مثبت معناداری دارد. این یافته‌ها با محدود پژوهش‌های ایرانی که در این خصوص انجام شده (قمری، ۱۳۸۹؛ حیدری رفعت و هدایتی نوین‌فر، ۱۳۸۹ و عقیلی و کومار، ۲۰۰۸) و اکثر پژوهش‌های خارجی (ر.ک: کوئینگ، مک کولا و لارسون، ۲۰۱۱؛ آدرتون، گراهام و استید من، ۲۰۱۱ و گادیر، اندرو، میرو، پم، ۲۰۰۶) هم‌خوان است.

مباحث نظری مطرح شده هم مؤید این رابطه است. دین‌داری از طریق معنابخشی به زندگی باعث افزایش سطح شادمانی افراد می‌شود. در واقع، دین‌داری از طریق فراهم آوردن پاسخی برای تجارب سردرگمی، رنج و شر، مشروع و درک پذیر ساختن نظم اجتماعی و توجیه رنج‌ها و شوربختی‌ها و

دشواری‌ها و بی‌عدالتی‌ها، زندگی انسان را در کلیتی معنادار قرار داده و از این طریق، ارزیابی او را در مورد مطلوبیت زندگی بهبود بخشیده و احساس خوشبختی و شادمانی را در او افزایش می‌دهد. به علاوه، دین‌داری از طریق فراهم‌آوردن حمایت اجتماعی برای افراد، موجب افزایش سطح شادمانی آن‌ها می‌شود. دین هم به واسطه آموزه‌های مبنی بر لزوم برقراری رابطه با دوستان و خویشاوندان و هم به واسطه فراهم‌آوردن شبکه‌های اجتماعی قوی و هویت‌های مذهبی قوی در جماعت‌های مذهبی و به همراه آوردن حمایت اجتماعی بیشتری برای فرد، سطح شادمانی او را افزایش داده و احساس خوشبختی را در او بالا می‌برد. همچنین دین‌داری از طریق افزایش سطح سازگاری با ناکامی‌ها و محرومیت‌ها در افراد، سطح شادمانی آن‌ها را افزایش می‌دهد. این نتیجه را نیز می‌توان تأییدی بر دیدگاه‌های نظری مطرح‌شده توسط جامعه‌شناسان دین درباره کارکردهای روانی - اجتماعی دین که در ابتدای مقاله به آن‌ها اشاره شد، دانست. دین از طریق نسبت‌دادن خوشبختی‌ها و بدبختی‌های زندگی هر فرد به شایستگی‌های او و همچنین از طریق ظاهری و زود گذر نشان‌دادن ناکامی‌ها و دشواری‌های زندگی و گرفتن پاداش آن‌ها در جهان دیگر و نیز با فراهم آوردن هدف‌های غیررقابتی و به یکسان دسترسی‌پذیر برای همگان از جمله رستگاری، پاسخی را برای دشواری‌ها و محرومیت‌ها و بی‌عدالتی‌های زندگی فراهم می‌آورد و در نتیجه انسان را قادر به کنار آمدن با آن‌ها می‌کند.

با وجود این، در تحلیل الگوی تأثیرگذاری متغیرهای مورد مطالعه بر شادمانی، وقتی اثر دین‌داری با کنترل متغیرهای دیگر آزمون شد، مشخص شد که اثر مستقیم دین‌داری بر شادمانی اثر منفی ضعیفی است. در نتیجه، در این تحقیق اثر دین‌داری بر شادمانی صرفاً از طریق متغیرهای حمایت اجتماعی، معناداری و سازگاری با ناکامی و محرومیت خود را نشان می‌دهد. بدون توجه به نقش و اثر این متغیرهای واسطه‌ای، دین‌داری حتی می‌تواند سطح شادمانی را کاهش دهد. این یافته با نتایج تحقیقاتی که رابطه دین‌داری و شادمانی را به صورت مقایسه‌ای در بین کشورهای مختلف آزمون کرده‌اند تا حدی هم‌خوان است. پژوهش اسنوپ (۲۰۰۸) و کوزاریان (۲۰۱۰) نشان داد که رابطه دین‌داری و شادمانی در کشورها و شرایط اجتماعی متفاوت است و متغیرهای اجتماعی اثرشان بیش از دین‌داری است که یک جنبه ذهنی دارد. ممکن است دلیل رابطه ضعیف و منفی دین‌داری با شادمانی در شرایطی که متغیرهای واسطه کنترل شده‌اند این باشد که در مواردی محتوای آموزه‌های سنتی دینی نوعی وسواس و ترس از گناه و مجازات ناشی از آن، دنیاگرایی و جزمیت‌گرایی را در افراد ایجاد می‌کنند که می‌توانند سطح شادمانی افراد را کاهش دهند. این موضوعی است که باید تحقیقات بعدی به آن بپردازند، به این ترتیب که با واردکردن هم‌زمان متغیرهای واسطه بین

دین‌داری و شادمانی که دارای جهت مثبت و منفی هستند، اثر دوسویه دین‌داری بر شادمانی را آزمون کنند. در مجموع، یافته‌های این پژوهش مؤید رابطه متوسط و قوی حمایت اجتماعی، معناداری و سازگاری با ناکامی و محرومیت با شادمانی است و چون براساس نظریه‌های کارکردگرای جامعه‌شناسی دین، محتوای آموزه‌های دینی و نیز مؤیدات تجربی، این متغیرها توسط ایمان و پایبندی دینی تقویت می‌شوند، دین‌داری هم منطقی‌اً احساس شادمانی را تقویت می‌کند.

### کتاب‌نامه

۱. برگر، پ.، بریجیت، ب.، و کلنر، ه. (۱۳۸۱). *ذهن بی‌خانمان: نوسازی و آگاهی*. (م. ساوجی، مترجم). تهران: نشر نی.
۲. پالس، د. (۱۳۸۲). *هفت نظریه در باب دین*. (م. ع. بختیاری، مترجم). قم: انتشارات عمومی آموزش و پژوهش امام خمینی.
۳. ثامنی، ن. (۱۳۷۶). *ساخت و اعتباریابی مقیاس برای سنجش حمایت اجتماعی و بررسی رابطه فشارهای دانشجویی با عملکرد تحصیلی، افسردگی و اضطراب در دانشجویان دانشگاه چمران اهواز*. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه چمران اهواز، ایران.
۴. چلبی، م. (۱۳۸۳). *چهارچوب مفهومی پیمایش ارزش‌های ایرانیان*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. چلبی، م.، و موسوی، س. م. (۱۳۷۸). *بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان*. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۹ (۱ و ۲)، ۵۷-۳۴.
۶. حیدری رفعت، ا.، و هدایتی نوین فر، ع. (۱۳۸۹). *رابطه بین نگرش دینی و شادکامی در بین دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس*. *فصل‌نامه روان‌شناسی و دین*، ۳ (۴)، ۷۲-۶۱.
۷. خوش‌کنش، ا.، کشاورز، ح. (۱۳۸۷). *رابطه شادکامی و سلامت روان دانشجویان*. *ماه‌نامه اندیشه و رفتار*، ۲ (۷)، ۵۲-۴۱.
۸. رحیمی، ف. (۱۳۹۱). *بررسی ارتباط دین‌داری با معناداری زندگی و پایبندی اخلاقی*. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی. دانشگاه تربیت معلم تهران، ایران.
۹. ریاحی، م. ا.، علی‌ردی‌نیا، ع. ا.، و بنی‌اسدی، م. ر. (۱۳۸۷). *بررسی اثرات دین‌داری و جهت‌گیری دینی بر سلامت روان دانشجویان دانشگاه مازندران*. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۵ (۲)، ۹۰-۵۱.
۱۰. سراج‌زاده، س. ح. (۱۳۷۸). *نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولار شدن*. *نمایه پژوهش*، ۱۷ (۱)، ۱۲۷-۱۰۵.
۱۱. سراج‌زاده، س. ح. (۱۳۸۳). *چالش‌های دین و مدرنیته، مباحثی جامعه‌شناختی در دین‌داری و سکولار شدن*. تهران: طرح نو.
۱۲. سراج‌زاده، س. ح.، پویافر، م. ر. (۱۳۸۷). *دین و نظم اجتماعی: بررسی رابطه دین‌داری با احساس انومی و کجروی*. *مسائل اجتماعی ایران*، ۱۶ (۶۳)، ۷۱-۱۰۵.

۱۳. سراج زاده، س. ح.، جواهری ف.، و ولایتی س. (۱۳۹۲). دین و سلامت: آزمون اثر دین داری بر سلامت در میان نمونه‌ای از دانشجویان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۴ (۱)، ۷۷-۵۵.
۱۴. سراج زاده، س. ح.، رحیمی، ف. (۱۳۹۲). رابطه دین داری با معناداری زندگی در یک جمعیت دانشجویی. *راهبرد فرهنگ*، ۶ (۲)، ۲۴-۲۰.
۱۵. سراج زاده، س. ح.، پویافر م. ر. (۱۳۸۶). مقایسه تجربی سنجه‌های دین داری: دلالت‌های روش شناسانه کاربرد سه سنجه در یک جمعیت. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۸ (۴)، ۷۰-۳۷.
۱۶. شجاعی زند، ع. ر. (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دین داری در ایران. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۶ (۱)، ۳۴-۶۶.
۱۷. طالبان، م. ر. (۱۳۹۲). *ارزیابی تجربی مدل دین داری گلاک و استارک*. دین پژوهی تجربی، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۸. عظیمی هاشمی، م. (۱۳۸۳). رضایت از زندگی و دین داری در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه (شهرهای فردوس، درگز و نواحی آموزشی ۴، ۵ و ۷ مشهد). *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۶ (۱)، ۸۳-۱۱۶.
۱۹. علی پور، ا.، و نوربالا، ا. ع. (۱۳۷۸). بررسی مقدماتی پایایی و روایی پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه-های تهران. *ماه‌نامه اندیشه و رفتار*، ۱ و ۲ (۵)، ۶۵-۵۵.
۲۰. قمری، م. (۱۳۸۹). بررسی رابطه دین داری و میزان شادمانی در بین دانشجویان به تفکیک جنسیت و وضعیت تأهل. *فصل-نامه روان‌شناسی*، ۳ (۳)، ۹۱-۸۵.
۲۱. کاظمی، ع.، و مهدی ف. (۱۳۸۵). *بررسی سنجه‌های مرتبط با دین در ایران*، طرح پژوهشی، سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۲. کوزر، ل. (۱۳۸۵). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، (م. ثلاثی، مترجم) تهران: نشر علمی.
۲۳. میرشاه جعفری، ا.، عابدی، م.، و دریکوندی ه. ا. (۱۳۸۱). شادمانی و عوامل مؤثر بر آن. *فصل‌نامه تازه‌های علوم شناختی*، ۳ (۴)، ۵۸-۵۰.
۲۴. همیلتون، م. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی دین*. (م. ثلاثی، مترجم). تهران: نشر ثالث.
۲۵. وبر، م. (۱۳۸۴). *دین، قدرت، جامعه*. (ا. تدین، مترجم). تهران: نشر هرمس.
۲۶. ولایتی، س. (۱۳۸۸). *بررسی اثر دین داری بر سلامت*. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی (ترتیب معلم تهران). تهران، ایران.
27. Aghili, M., & Venkatesh Kumar, G. (2008). Relationship between religious attitude and happiness among profession employees. *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, 34, 66-69.
28. Altemeyer, B., & Hunsberger, B. (2005). Fundamentalism and authoritarianism. In R. F. Paloutzian & C. L. Park (Eds.), *Handbook of the psychology of religion and spirituality* (pp. 378-393). New York: Guilford Press.
29. Argyle, M. (2001). *The psychology of happiness*. USA & Canada: Rutledge, Taylor & Francis Group.

30. Athertone, J., Graham, E., & Steadman, I. (2011). *The practices of happiness, political economy, religion and wellbeing*. London and New York: Routledge, Taylor and Francis Group.
31. Bartz, J., Scott, R., Smith, T., & Fichner, L. (2010). A 17- year longitudinal study of religion and mental health in a mormon Sample, *Mental Health, Religion and Culture*, 13 (7-8), 683-659.
32. Berger, P. (1967). *The sacred canopy: Elements of a sociological theory of religion*. New York: Anchor Book.
33. Campbell, A., Converse, P. E., & Rodgers, W. L. (1976). *The quality of American life: Perceptions, evaluations, and satisfaction*. New York: Russell Sage Foundation.
34. Ellison, C. G. (1991). Religious involvement and subjective wellbeing. *Journal of Health & Social Behavior*, 32, 80-99.
35. Gartner, J., Larson, B. D., & Allen G. D. (1991). Religious commitment and mental health: Review of the empirical literature. *Journal of Psychology and Theology*, 19, 6-25.
36. Gauthier, K. J., Andrew N. C., Mark I. W., Miurad, R., & Pam, M. (2006). Religiosity, religious doubt and the need for cognition: Their interactive relationship with life satisfaction. *Journal of Happiness studies*, 7, 139-154.
37. Headey, B., Schupp, J., Tucci, I., & Wagner G. G. (2008). *Authentic happiness theory supported by impact of religion on life satisfaction: A longitudinal analysis with data for Germany*. Discussion Paper Series, No. 39.
38. Hicks, A. J. (2008). Religious commitment and positive mood as information about meaning in life. *Journal of Research in Personality*, 42, 43-57.
39. Hicks, J., & King, L. (2008). Religious commitment and positive mood. *Journal of Research in Personality*, 64, 43-57.
40. Himmelfarb, H. S. (1975). Measuring religious involvement. *Social Forces*, 53(4), 606-618.
41. Inglehart, R. (1990). *Culture shift in advanced industrial society*. Princeton: Princeton University Press.
42. Koenig, H. G., McCullough, M. E., & Larson, D. B. (2001). *Handbook of Religion and Health*. New York: Oxford University Press.
43. Kozaryan, A. (2010). *Religiosity and life satisfaction across nations*. Institute for Quantitative Social Science, Harvard University.
44. Lim, C., & Putnam, R. D. (2010). Religion, social networks, and life satisfaction. *American Sociological Association*, 75(6), 914-933.
45. Parsons, T. (1965). *Introduction in Max Weber's the sociology of religion* (E. Fischoff, Trans.). London: Methuen.
46. Snope, L. (2008). Religiousness and happiness in three nations: A research note. *Journal of Happiness Studies*, 9, 207-211.
47. Veenhoven, R. (1992). *Happiness in nations*. Erasmus University, Rotterdam, Netherlands.
48. Veenhoven, R. (2009). *Sociological theories of subjective wellbeing*, Erasmus University, Rotterdam, Faculty of Social Science, Netherlands.
49. Yap, M., & Devilly, G. (2004). The role of perceived social support in crime victimization. *Clinical Psychology Review*, 24, 1-14.